



Sohaila Saremi, "Awaiting the Dawn,"  
*Iran Nameh*, 27:2-3 (2012), 246-255.

# در انتظار سحر

(به یاد سیمین دانشور)

## سهیلا صارمی

دانشیار زبان و ادبیات فارسی

Sohila Saremi

sohilas54@yahoo.com



**سهیلا صارمی** (زاده ۱۳۳۳) دانشیار بازنشسته زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. صارمی دکترای زبان و ادبیات فارسی را در سال ۱۳۷۰ از دانشگاه تهران دریافت کرد. برخی از آثار ایشان عبارتند از: سیمای جامعه در آثار عطار (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲) و مصطلحات عرفانی و مفاهیم برجسته در زبان عطار (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳). آخرین پژوهش وی با نام عطار نیشابوری اخیراً از سوی دفتر پژوهش‌های فرهنگی (مجموعه از ایران چه می‌دانم) منتشر شده است که با دیدگاهی کاملاً متفاوت زندگی و اندیشه این عارف آزاداندیش و معترض اجتماعی را بررسی کرده است. وی در باره ادبیات معاصر ایران نیز آثاری نگاشته است.

ISSN 0892-4147 print/ISSN 2159-421X online/2012/27.2-3/246-255.

سیمین دانشور، ۱۳۰۰ - ۱۳۹۱

نامهٔ تعزیت دختر رَز بنویسید  
تا همه مغبِجگان زلفِ دو تا بگشایند

گیسوی چنگ ببریَد به مرگ می ناب  
تا حریفان همه خون از مژه‌ها بگشایند  
(حافظ)

”سحر نبود. نور از شیشهٔ پنجره پشتِ پلکهای هستی افتاد و به قلبش راه یافت و ستاره‌ای در دلش چشمک زد. باشد در تخت‌خوابش نشست. زمین و زمان روشن بود. یک آن مثل همهٔ خوشباورها باور کرد که روز از دل ظلمات، مثل آب حیات از درون تاریکی زاییده شد، اما نور تنها یک لحظه پایید: صبحِ اول از دروغِ خود سیاهروی شده بود.“<sup>۱</sup>

این نوشته‌ها بر زبان بانویی گذشته است که در حدود نیم قرن، از آتش خاموش<sup>۲</sup> تا ساریان سرگردان،<sup>۳</sup> به جستجوی سحر قلم زد. او ۲۴ سال پیش از بیان این سخنان در جزیرهٔ سرگردانی، در سووشون<sup>۴</sup> چنین نوشته بود: ”در خانه‌ات درختی خواهد رویید و درختهایی در شهرت، و بسیار درختان در سرزمینت... و باد پیغام هر درختی را به درخت دیگر خواهد رسانید و درخت‌ها از باد خواهند پرسید در راه که می‌آمدی، سحر را ندیدی؟“<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> سیمین دانشور، جزیرهٔ سرگردانی (تهران: خوارزمی، ۱۳۷۷)، ۲.

<sup>۲</sup> سیمین دانشور، آتش خاموش (تهران: انتشارات علمی، ۱۳۲۷).

<sup>۳</sup> سیمین دانشور، ساریان سرگردان (تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۰).

<sup>۴</sup> سیمین دانشور، سووشون (چاپ ۵؛ تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۰)، ۳۰۴.  
این جستجوی نور و روشنی و گریز از تاریکی که همواره جزء جدایی‌ناپذیر تاریخ و فرهنگ ایران بوده است، نه تنها یکی از مهم‌ترین درون‌مایه‌های ادبیات کهن این سرزمین، به ویژه شعر، را شکل بخشیده، بلکه تأثیری قوی در ادبیات معاصر بر جا نهاده و به گونه‌ای نو و بیشتر در شکل سمبولیسم اجتماعی، در آثار شاعران و داستان‌نویسان ایرانی بیان شده است، چنان‌که در بوف کور لکاته و زنِ اثری به ترتیب دو وجه تاریک و روشن روان آدمی با روانِ قومی اند؛ یا در «خانهٔ سربویلی»، اثر نیما، شیطان و سربویلی شاعر به ترتیب نمایندگان تاریکی و روشنایی (از منظر انسانی و اجتماعی) اند. آثار اخوان نیز تماماً با این عناصر آمیخته است. نوشته‌های سیمین دانشور نیز غالباً بر مدار تضاد بین نور و روشنی یا سحر و شب می‌چرخد و شاید این امر را بتوان به وجود نوعی اندیشهٔ گنوسی به شکلی نو و این جهانی در ادبیات مدرن ایران تعبیر کرد. کاربرد مکرر و سمبلیک واژه‌هایی چون روز و شب، سحر و شامگاه، نور و روشنی و واژه‌هایی از این دست، بعدها شکل کلیشه پیدا کرد و فقط در آثاری که شکل هنری قویتری داشتند، توانست خواننده را تکان دهد.

هویتی که سیمین دانشور در میان درخشان‌ترین چهره‌های ادبی ایران به دست آورده است در سایه کوششی بی‌وقفه حاصل شد که از ابتدای دوران جوانی آغاز کرده بود. دانش و بینش کم‌نظیر وی او را در آفرینش چند اثر ماندگار زبان فارسی یاری کرد که همگی گواهی است بر درک عمیق و دقیق وی از شرایط تاریخی، اجتماعی، و سیاسی سرزمینش. و البته وی در این آفرینش هرگز از نظر دور نداشت که در مقام نویسنده، با ادبیات به عنوان پدیده‌ای زنده و پویا سر و کار دارد نه عرصه‌ای برای گزارش‌های روزنامه‌ای و شعارهای آبدار. وی همچنین دریافته بود که "راه هنر میان بُر ندارد"<sup>۶</sup> و اگر بخواهد به قله برسد، بین هنرمند والا بودن و پژوهشگر برجسته بودن یکی را باید برگزیند؛ هرچند خود در مقام استاد دانشگاه، سالیان دراز به عنوان یکی از برترین‌ها در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران محبوب و معبود دانشجویان رشته‌های گوناگون بود و آثاری چند نیز در زمینه‌های پژوهشی نگاشت.

آتش خاموش (۱۳۲۷) که نخستین اثر وی و نخستین مجموعه داستان‌های کوتاه به قلم یک زن بود و در مقایسه با کارهای بعدی وی خام می نمود<sup>۷</sup> تا شهری چون بهشت (۱۳۴۰) که دومین مجموعه و به مراتب پخته‌تر از نخستین بود تجربه‌های بسیار اندوخت. برجسته‌ترین اثر وی سووشون (۱۳۴۸) یکی از شاهکارهای ادب معاصر ایران است. اهمیت این اثر بزرگ که جایگاه سیمین دانشور را به عنوان یکی از بزرگ‌بانوان نویسنده ایرانی در ادبیات جهان تثبیت کرده است، نه تنها در شاخصیت آن به عنوان اثری واقع‌گرا و ضداستعماری است که گوشه‌ای از رنج‌ها و مبارزه‌های کشورهای عقب نگه داشته شده (به اصطلاح جهان سوم) را نشان می‌دهد، بلکه در خلق سبک و زبانی ویژه است که از منظر زیبایی‌شناسی ادبیات نیز جای بحث و گفتگوی بسیار دارد. طرح این اثر به گونه‌ای ریخته شده است که کمترین حسوی در آن دیده نمی‌شود، هر چیز دقیقاً بر سر جای خود قرار دارد؛ ساختار معنایی و زبانی محکم و در عین حال ساده، لحن کتابی نرم و جاف‌تاده، تکنیک روایی کم‌نظیر، خلق و پرورش دقیق شخصیت‌های گونه‌گون، توصیف جزئیات صحنه‌ها، آدم‌ها، اشیاء، بیان آرزوها و احساسات زنانه که گوشه‌ای از احساسات نادیده گرفته انسانی است، تصویر سنت‌ها و عادت‌های اجتماعی و زوال ارزش‌های انسانی در جامعه‌ای بیمار و طوفان‌زده، و بسیاری نکته‌های در خور بحث دیگر، این اثر را در زمره آثار جاودان زبان فارسی قرار داده است.

بسیاری از منتقدان، سیمین را، به ویژه برای آفرینش سووشون، ستوده‌اند. سپانلو برای این نویسنده جایگاهی در کنار دولت‌آبادی، گلشیری و فصیح قایل است و براهنی او را آغاز کننده رمان زنانه ایران و نویسنده یکی از درخشان‌ترین رمان‌های فارسی می‌داند.<sup>۸</sup> هرچند دیگر آثار دانشور، همچون آتش خاموش، شهری چون بهشت، و به کی سلام کم<sup>۹</sup> (مجموعه داستان‌های کوتاه گپرا و دل‌نشین)، از لحاظ بافت هنری و تکنیک، زبان و حتی درون‌مایه به پای سووشون نمی‌رسند، هریک در جایگاه خود نگاه جستجوگر نویسنده/راوی را که همچنان به دنبال سحر می‌گردد و به یافتن آن امیدوار است، به خوبی باز می‌تاباند. او مخاطب خود را دل‌نگران و افسرده رها نمی‌کند، بلکه او را با امیدواری به پویه و جستجو و شناخت روحی-روانی و فرهنگی خود و جامعه خود و می‌دارد. عباس معروفی، نویسنده نامدار معاصر ایران، که از نزدیک با سیمین دمخور بوده است، در این باره می‌گوید: عشق به زندگی و مرگ-آگاهی دو خط موازی تم‌های ادبی سیمین است. اگر سیمین در زندگی شخصی وضعیت مطلوبی نداشته و آنچه حقیقت بوده از وی دریغ شده، اما در داستان‌ها و رمان‌هایش عشق به زندگی را چنان پررنگ می‌کشد که خواننده امیدوار و لبخندزن کتاب را ببندد و در آغوش بگیرد.<sup>۱۰</sup> تنها اثر سیمین که خواننده با اندوه می‌گشاید و با اندوه می‌بندد، غروب جلال است که یادمانده‌های سیمین از زندگی و مرگ همسرش، جلال آل‌احمد، است و ظاهراً نویسنده در آن قصد آفرینش ادبی نداشته است.<sup>۱۱</sup>

سیمین پیوسته در پی کشف عرصه‌های نو در نویسندگی بود. معروفی در این باره چنین می‌گوید: "او هرگز نهراسیده از اینکه فرم‌ها و ساختارهای مختلف را تجربه کند. دو کتاب اولش، مجموعه‌های به کی سلام کم و شهری چون بهشت با داستان‌هایی همچون صورت‌خانه، قلم‌انداز، تیله شکسته و داستان‌های دیگر، اکثر داستان‌ها ساختار دایره و نیم‌دایره دارند. او بر خلاف بسیاری از نویسندگان هم‌دوره‌اش خطی نمی‌نوشت."<sup>۱۲</sup> وی در

<sup>۶</sup> عثمان آوانگ، سلام به قاره‌ها، ترجمه سهیلا صامری و علی‌اکبر خداپرست (تهران: حروفیه، ۱۳۸۵)، ۱۷.

<sup>۷</sup> نویسنده خود در شهری چون بهشت آن را خام و فاقد جهان‌بینی فلسفی و دید اجتماعی می‌داند. ببینید: سیمین دانشور، شهری چون بهشت (چاپ ۵؛ تهران: خوارزمی، ۱۳۶۱)، ۷.

<sup>۸</sup> بی.بی.سی. فارسی، "سیمین دانشور، داستان‌نویس و مترجم برجسته ایرانی درگذشت" (۱۸ اسفند ۱۳۹۰).



سیمین دانشور: «با جلال نهالی در خاک می‌نشانیم»، سال ۱۳۴۶، مجموعه شخصی مسعود منصورزاده

شاید من فسیل بشوم. شاید امثال من اشتباه کرده باشند.<sup>۱۴</sup>

شاید برای داوری در باره آخرین رمان وی که سه اثر به هم پیوسته است: جزیره سرگردانی، ساربان سرگردان، و کوه سرگردان که ظاهراً جلد آخر هنوز به چاپ نرسیده، می‌باید کمی تأمل کرد. اما این نکته گفتنی است که اگر چه جزیره سرگردانی از چارچوب و زبان محکم و بی‌بدیل سووشون برخوردار نیست و گاه حشو و زوایدی در آن به چشم می‌خورد، نیز از حیث ارزش ادبی به پای سووشون نمی‌رسد، از لحاظ تاریخ سیاسی-اجتماعی ایران معاصر، و به ویژه توجه به مسئله روشنفکری و نقشی که روشنفکران در این تاریخ داشته‌اند، اثری درخور توجه است؛ به ویژه که این‌گونه مسائل در بافت رمان- حتی اگر نه رمان ناب- مطرح می‌شود و تا آنجا که ممکن است راوی یا نویسنده از جهت‌گیری و سوق دادن خواننده یا مخاطب به سمت و سوی خاص خودداری می‌کند. ظاهراً خانم دانشورد در دوران کهنسالی می‌خواهد اطلاعات و تجربه‌های تاریخی خود را بی‌تعصب و یکسونگری در اختیار آیندگان بگذارد، باشد که گذشته چراغ راه آینده شود؛ و برای این کار قالب رمان را بر می‌گزیند. وی درباره این روشنفکران چنین می‌گوید: «بیشترشان دون کیشوت‌هایی بیش نیستند،

باره جستجوی دایم سیمین برای دستیابی به حال و هوا و فضایی تازه در داستان‌نویسی از زبان خود او چنین نقل می‌کند: «باید از دهنت آب تازه بیرون بکشی، نه آب توی جوی مانده را. باید تازه شد، نو شد. باید مدام تکامل یافت. باید مدام تحول یافت. به همه نویسندگان این توصیه را می‌کنم که باید دم به دم جستجو کرد، نو شد، تحول و تکامل یافت.»<sup>۱۳</sup> دانشور به مخاطبانش نیز می‌آموزد تا در تجربه‌ها و آموخته‌های دیگران شک کنند و دنیا را با چشم خود ببینند و در پی کشف تازه باشند، چنان‌که در جزیره سرگردانی، سیمین به هستی می‌گوید که «اما هستی جان، تا آخر عمر زانده اعور کسانی که به تو چیزی یاد داده‌اند نمان و طوطی آنها نشو. خودت در شنیده‌ها و آموخته‌ها و خواننده‌هایت شک کن.

<sup>۱۳</sup> سیمین دانشور، به کی سلام کنم (تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۹).

<sup>۱۴</sup> عباس معروفی، «سیمین دانشور: این کوه باشکوه» (اسفند ۱۳۹۰):

[http://www.bbc.co.uk/persian/arts/2012/03/120309\\_141\\_book\\_daneshvar\\_memorial\\_marooft.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/arts/2012/03/120309_141_book_daneshvar_memorial_marooft.shtml)

<sup>۱۱</sup> سیمین دانشور، غروب جلال (قم: کتاب سعدی، ۱۳۶۹).

<sup>۱۲</sup> معروفی، «سیمین دانشور: این کوه باشکوه».

<sup>۱۳</sup> معروفی، «سیمین دانشور: این کوه باشکوه».

<sup>۱۴</sup> دانشور، جزیره سرگردانی، ۶۰.



تصویر صفحه بعد: سیمین دانشور در خانه مسکونی‌اش در شمیران،  
عکس از مهرداد اسکویی، مجموعه شخصی مسعود منصورزاده





درب حیاط خانه سیمین دانشور، شمیران، بهار ۱۳۸۰، عکس از حسین راه‌کوه، مجموعه شخصی مسعود منصورزاده

وی همچنین معتقد است که دانشور این کتاب را صحنه گفتگو در مورد پرسش‌هایی کرده است که «سایه آنها سالیان دراز بر ذهن و روان وی و هم‌روزگاران‌ش سنگینی کرده است.»<sup>۱۸</sup> شاید نیز دانشور با بیان این خاطرات و تحلیل‌ها می‌خواهد بگوید که نویسنده نمرده است.

از ویژگی‌های برجسته آثار این نویسنده که تمام منتقدان به آن اشاره کرده‌اند، بیان حالات و احساسات و گفتگوهای درونی و بیرونی زنان جامعه و مشکلاتی است که بر سر راه آنان قرار دارد. اما او به عنوان نویسنده پیش‌تاز در شخصیت‌پردازی‌ها و فضا‌سازی‌های خود از هرگونه بیان افراطی و احساساتی که او را به دام احساساتی‌گری بغلتاند پرهیز می‌کرد و می‌کوشید این مشکلات را در مشکلات کل جامعه ریشه‌یابی کند. به همین جهت در داستان‌هایی که پیرنگ آنها بر اساس مباحث اجتماعی و احیانا سیاسی شکل گرفته است به علل و عوامل این مشکلات که دام‌گیرکل جامعه است نظر داشت. با این همه، در توصیف‌ها و تصویرهایی که از زندگی زنان به دست می‌داد موفق بود، به ویژه که می‌کوشید لحن و زبان و منش و اندیشه زنان هر قشر و طبقه را به دقت بازتاباند. او این کار را از همان نخستین داستان آغاز کرد. وی، درعین

دون کیشتویزم جهان سوم.<sup>۱۹</sup> رضا سیدحسینی در مصاحبه‌ای که دربارهٔ رمان خانهٔ ادریسی‌ها با آینه‌ها ( نقد و بررسی ادبیات امروز ایران) انجام داده است می‌گوید که «در درجهٔ اول مسئلهٔ روشنفکری اهمیت دارد، مسئلهٔ یک انقلاب مطرح است و تحولی که این انقلاب ایجاد می‌کند و هیچ شوخی بردار نیست. وقتی این تجربه‌ها مطرح می‌شود، دیگر نباید به سراغ دستورالعمل‌های رمان‌نویسی برویم، باید به سراغ هانا آرنت یا والتر بنیامین برویم. باید بدانیم مسئلهٔ رمان چگونه در این میان شرکت می‌کند.»<sup>۱۶</sup> حورا یآوری این اثر را «دادگاه تاریخ» می‌خواند: «خانهٔ دو طبقهٔ جزیرهٔ سرگردانی دادگاه تاریخ است، دادگاهی که در آن شخصیت‌های داستانی طبقهٔ پایین درستی‌ها و نادرستی‌های اندیشه‌های ساکنان طبقهٔ بالا را به آزمون‌های سخت تاریخی محک می‌زنند و بن‌بست‌های آنها را در برابر چشم خوانندگان می‌گذارند. برخورد نقادانه با اندیشه‌های سیاسی و فلسفی در فضای جزیرهٔ سرگردانی، یا به سخن دیگر، داستانی کردن این اندیشه‌ها کتاب را به جای آنکه جولانگاه ناسخته و از گرد راه رسیده باشد، به فضای برگشودهٔ نقد این اندیشه‌ها برکشیده و بنیان عاطفی اندیشه‌ها و جوش‌خوردگی آنها را به عاطفه‌های اندیشه‌سازان به تماشا گذاشته است: چه اتفاق مبارکی برای سیمین دانشور و برای ادبیات داستانی ایران.»<sup>۱۷</sup>

اینکه آینه‌ای در پیش چشم من می‌گذارد و او را به او نشان می‌دهد، می‌کوشد تا دریچه‌ای از امید و اعتماد پیش رویش بگشاید، همان دریچه‌ای که زری را که می‌کوشید تا اندیشه و عاطفه و ادراکش از چاردیواری برج و باروی محکم خانه‌اش بیرون نزند، به عرصه طوفانی جامعه کشاند و ابعاد دیگر وجود وی را که در پشت یوسف پنهان بود آشکار ساخت، و هستی را به خودشناسی و درک هستی سوق داد. این "بانوی قصه ایران"<sup>۱۹</sup> به عنوان آغازگر داستان‌نویسی و رمان‌نویسی زنانه راه را برای نویسندگان زن پس از خود هموار کرد. پس از وی زنان نویسنده دیگری پا به عرصه ادبیات معاصر ایران نهادند که تنی چند از آنان آثاری درخشان و درخور بحث آفریدند.

آثاری که این نویسنده ترجمه کرده است، مانند دشمنان<sup>۲۰</sup> و باغ آلبالو،<sup>۲۱</sup> اثر آنتوان چخوف، داغ ننگ<sup>۲۲</sup> ناتانیل هاوثرن، سرباز شکلاتی<sup>۲۳</sup> برنارد شو و بنال وطن<sup>۲۴</sup> آلن پیتون از جمله شناخته‌ترین آثار ادبی جهان است که به زبان فارسی برگردانده شده است. وی در این ترجمه‌ها، در عین وفاداری به سبک نویسنده، از همان زبان شسته‌رفته همیشه بهره گرفته است. معروفی‌گرنش این آثار را به خاطر جنبه‌های قوی و اثرگذار آنها می‌داند، نه شهرت نویسندگانشان و غیره.<sup>۲۵</sup> برخی از این ترجمه‌ها با درون‌مایه‌های نوشته‌های سیمین هم‌خوانی دارند. خود وی درباره این ترجمه‌ها می‌گوید: "من هم همچون بسیاری از معاصرانم که آتش‌های خاموش روزگار دراز بگیر و ببند بودند، قربانی ترجمه شدم، چرا که سانسور وجود داشت و به علت غرب‌زدگی، ترجمه از آثار غربی خواننده بیشتری را جلب می‌کرد... بضاعت من مُزّج‌ج‌ج است اما همه‌اش تقصیر خودم نیست.<sup>۲۶</sup> اما امروز که به گذشته می‌نگرم، می‌بینم احتمال زیاد دارد که

ترجمه‌های همان روزگار چه بسا نویسندگان بسیاری را رهنمون بوده است. چه بسا جای پای بوده است برای قلم زدن نویسندگان تازه‌کار یا سیاه مشقی بوده است برای خودم.<sup>۲۷</sup> آثار پژوهشی وی نیز، همچون شاهکارهای فرش ایران، راهنمای صنایع ایران و مبانی استتیک، در جای خود درخور توجه و ارزشمندند.

برخی منتقدان برآن‌اند که آثار خانم دانشور تحت تأثیر نوشته‌های همسرش، جلال آل‌احمد، است، اما باید گفت زبان شسته‌رفته و بیان سنجیده سیمین، ساخت شخصیت‌ها و بافت محکم داستان‌ها، و آهستگی و تأمل او در توصیف صحنه‌ها و جریان حوادث نشان‌دهنده سبک مستقل و ویژه اوست. محمدعلی جمالزاده، سیمین بهبهانی، و محمود عنایت وجود چنین شباهتی را رد می‌کنند. جلال خود درباره تأثیرپذیری از سیمین چنین می‌گوید: "زن سیمین دانشور است که می‌شناسید، اهل کتاب و قلم، و دانشیار رشته زیبایی‌شناسی، و صاحب تألیف‌ها و ترجمه‌های فراوان؛ و درحقیقت نوعی یار و یاور این قلم؛ که اگر نبود، چه بسا خزعبلات که به این قلم درآمده بود. از ۱۳۲۹ به این ور هیچ کاری به این قلم منتشر نشده که سیمین اولین خواننده و نقادش نباشد."<sup>۲۸</sup> اما آنچه از اهمیت برخوردار است تلاش پی‌گیر و احساس مسئولیتی است که هر دو نویسنده در برابر جامعه و فرهنگ خود داشته و بر آن اساس پیوسته در جستجوی راه‌های نو و شیوه‌های تازه قلم زده‌اند.

آثار دانشور، در عین آنکه بازتاباننده زندگی و شرایط اجتماعی و فرهنگی منطقه‌ای خاص است، از نگرش عمیق فلسفی به انسان و جهان خالی نیست. او از سرزمین خود درک تاریخی درستی دارد و نیک می‌داند به عنوان آمیزه‌ای از روشنفکر - سستی )

<sup>۱۹</sup> ناتانیل هاوثرن، داغ ننگ، ترجمه سیمین دانشور (تهران: نیل، ۱۳۳۴).

<sup>۲۰</sup> برنارد شو، سرباز شکلاتی، ترجمه سیمین دانشور (تهران: نیل، ۱۳۲۸).

<sup>۲۱</sup> آلن پیتون، بنال وطن، ترجمه سیمین دانشور (تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۱).

<sup>۲۲</sup> معروفی، «سیمین دانشور، این کوه باشکوه».

<sup>۲۳</sup> این‌گونه نوشته‌های نویسنده یادآور شعر معروف به آنان که پس از ما می‌آیند اثر برتولد برشت است. شعری که از آیندگان می‌خواهد تا درباره شاعر و ضعف‌های او و معاصرانش که روزگاری تریاک را تجربه کرده‌اند، با انصاف داورى کنند:

Bertolt Brecht, *To Those Born After*, poems 1913-1956 (New York: Routledge, 1987), 318

<sup>۲۴</sup> دانشور، شهری چون بهشت، ۷.

<sup>۲۵</sup> علی‌آبادی، «سیمین دانشور، نویسنده ایرانی درگذشت».

<http://aliabadihf.blogfa.com/cat-25.aspx>

<sup>۲۶</sup> دانشور، جزیره سرگردانی، ۲۵۳.

<sup>۲۷</sup> الهام مهورزانی، آینه‌ها (تهران: روشنگران، ۱۳۷۳)، ۲۴۷-۲۴۸.

<sup>۲۸</sup> حورا یآوری، «چه اتفاق مبارکی برای سیمین دانشور، بخارا: ویژه‌نامه سیمین دانشور شماره ۷۵ (فروردین- تیر ۱۳۸۹):

<http://bukharamag.com/1389.04.1319.html>

<sup>۲۹</sup> یآوری، «چه اتفاق مبارکی». حسن میرعابدینی نیز معتقد است که «دانشور با حضور آشکار در صحنه داستان، دیروز خود را مورد پرسشی جدی قرار می‌دهد». ببینید حسن میرعابدینی، صد سال داستان‌نویسی ایران (چاپ ۵: تهران: چشمه، ۱۳۸۷)، جلد ۳ و ۴، ۱۳۷۴.

<sup>۳۰</sup> سیمین بهبهانی، «بانوی قصه ایران» بخارا: ویژه‌نامه سیمین دانشور، ش ۷۵ (تیر ۱۳۸۹)، ۲۳۰.

<sup>۳۱</sup> آنتوان چخوف، دشمنان، ترجمه سیمین دانشور (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۱).

<sup>۳۲</sup> آنتوان چخوف، باغ آلبالو، ترجمه سیمین دانشور (تهران: نیل، ۱۳۴۷).



به قول سپانلو)<sup>۲۹</sup> در کجای روی زمین ایستاده است. اما تنهایی انسان و "درد بی‌عشقی" او را نیز درک می‌کند. در جزیره سرگردانی می‌گوید: "آدم‌ها هر کدام درخت‌های تکی هستند در بیابان."<sup>۳۰</sup> او جای خالی عشق را هم در جامعه خود و هم در جامعه بزرگ جهانی احساس می‌کند، برای همین در انتظار روزی است که بار کشتی جنگی گل باشد.<sup>۳۱</sup> آنجا نیز که به مرگ خود می‌اندیشد، آرزو می‌کند که "ضمن نوشتن یک قصه عاشقانه پر از شادی و امید بمیرد."<sup>۳۲</sup>

خارخار عشق به جاودانگی که پیوسته یکی از انگیزه‌های آفرینش هنری بوده است، سیمین را وا می‌دارد تا آرزوی خود را از زبان استاد مانی این گونه بیان کند: "آرزو دارم یک بار دیگر سر کلاس بروم و ضمن درس دادن بمیرم. آن همه دست که هر چه می‌گویی می‌نویسند، آن همه چشم که به آدم دوخته شده، آن همه گوش-چشم‌ها، گوش و دست‌های آن همه نوجوان و جوان؛ و بعد پیر می‌شوند، اما شاید خاطره تو در ذهن آنها بماند و گاه‌گداری برای بچه‌ها و نوه‌هایشان بازگو کنند، و آدم اگر هم دیگر نباشد، در یاد و ذکر آنها به زندگی ادامه می‌دهد."<sup>۳۳</sup> اعتقاد و اعتماد وی به نیروی روحی شکست‌ناپذیر و بی‌پایان آدمی و قدرت اراده او نیز از همین غریزه سرچشمه می‌گیرد. وی در سووشون از قول دکتر عبدالله‌خان به زری می‌گوید: "بدن آدمیزاد شکننده است، اما هیچ نیرویی در این دنیا به قدرت نیروی روحی او نمی‌رسد، به شرطی که اراده و وقوف داشته باشد."<sup>۳۴</sup>

ادبیات برای دانشور هم وسیله بود و هم هدف. وی به عنوان نویسنده‌ای واقع‌گرا در بیان و تصویر آرمان‌های انسانی، همچون آزادی و عدالت، می‌کوشید. او در مقدمه شهری چون بهشت آن اثر را چنین توصیف می‌کند: "یادگاری است از دوران سیاه اختناق و نموداری از اجتماعی که در آن زیسته‌ام و زندگی را تجربه کرده‌ام."<sup>۳۵</sup> در جزیره سرگردانی از زبان هستی از "سیمین" نقل می‌کند که "به کمک خط و رنگ هم می‌توان برای تغییر وضع موجود مبارزه کرد، همان طور که با کلام و آوا می‌شود."<sup>۳۶</sup> منابع اصلی

او برای نگارش آثارش غالباً جامعه و زندگی روزمره مردم، تاریخ، اسطوره و خاطرات است. او بارها بیان داشته که شخصیت‌سازی در آثارش بر اثر تعمق در زندگی مردم عادی و دردهای پنهان و آشکار آنها و آمیزش با آن صورت گرفته است. شخصیت‌های تاریخی و اسطوره‌ای نیز از این زندگی جدا نبوده‌اند، چنان‌که اسطوره کهن سیاوش در سووشون به نوعی بازسازی شده است که بیانگر آرمان‌ها و رنج‌های مردم هم‌روزگار راوی است. اما تصویری که وی از واقعیت به دست می‌دهد خود واقعیت نیست، بلکه واقعیتی است که در جهان داستان‌ها و رمان‌های وی رخ داده، یعنی آنجا که آفرینش ادبی و حادثه ادبی روی داده است؛ و این همان نکته‌ای است که سیمون دو بواری در باره باباگوریو بیان می‌دارد: "من هر وقت باباگوریو را می‌خوانم، خوب می‌دانم که در پاریس دوره بالزاک گردش نمی‌کنم، بلکه در پاریس بالزاک گردش می‌کنم. برای من خواننده مهم این است که مجذوب دنیای منفرد بشوم که با دنیای من تلاقی کند و با این همه غیر از دنیای من است."<sup>۳۷</sup>

دنیایی که سیمین دانشور آفرید، با دنیای آرمانی وی فاصله بسیار داشت: او تا آخرین لحظه و در حالی که "ویروس پیری"<sup>۳۸</sup> رهایش نمی‌کرد، از رؤیای ساختن شهری چون بهشت بیرون نیامد، شهری که دروازه‌هایش رو به سحر باز شود. گرمای باد یاد و نامش.

<sup>۲۹</sup> دانشور، سووشون، ۲۸۶.

<sup>۳۰</sup> شهری چون بهشت، ۷.

<sup>۳۱</sup> دانشور، جزیره سرگردانی، ۳۳۷.

<sup>۳۲</sup> سیمون دو بواری، توانایی ادبیات، وظیفه ادبیات، ترجمه ابوالحسن نجفی (تهران:

زمان، ۱۳۵۲)، ۱۵۷.

<sup>۳۳</sup> دانشور، جزیره سرگردانی، ۱۰۶.

<sup>۲۹</sup> بی.بی.سی. فارسی، «سیمین دانشور، داستان نویس و مترجم برجسته

ایرانی درگذشت».

<sup>۳۰</sup> دانشور، جزیره سرگردانی، ۸۸.

<sup>۳۱</sup> دانشور، سووشون، ۱۴.

<sup>۳۲</sup> دانشور، جزیره سرگردانی، ۷۳.

<sup>۳۳</sup> دانشور، جزیره سرگردانی، ۷۲.

